درآمدی تحلیلی بر خدمات دولت حمدانیان به ادبیات شیعه

دکتر تورج زینی‌وند[1]

سمیه بختیاری[2]

چکیده

ادبیات شیعه در گذر عصرها از فرازها و فرودهای گوناگون برخوردار بوده است. سیرتکاملی این ادبیات، بیانگر این واقعیت است که این جریان متعهّد ادبی، همراه و همزاد اوضاع دینی ، سیاسی و اجتماعی حاکم بر جهان اسلام بوده است. یکی از دولتهای برجستهٔ عربی که به مانند آل‌بویه و فاطمیان نقشی ماندگار در پرباری و شکوفایی ادبیات متعهّد شیعه داشته است، دولت حمدانیان در شام بوده است. ادب دوستی امیرسیف‌الدوله حمدانی و فراهم نمودن زمینه‌های آفرینش آثار ادبی، حمایت از ادیبان و شاعران در کنار دیگر عوامل سیاسی، مذهبی و اجتماعی از سببهای شکوفایی ادبیات شیعه، به ویژه شعر شیعی، به روزگار دولت حمدانی در شام به شمار آمده است.

محورهای اساسی این مقاله، عبارتند از:

الف) پیشگفتاری درباره خاندان بنی حمدان؛

ب) بررسی و تحلیل خدمات دولت حمدانی(شام) در شکوفایی ادبیات شیعه.

واژگان کلیدی : ادبیات شیعه، شعر شیعی، دولت حمدانی عصر عباسی، ادبیات متعهد.

---

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه.

۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، باشگاه پژوهشگران جوان، کرمانشاه، ایران.

۱- پیشگفتار

ادبیات شیعه، در شمار روشناییهای ادب عربی و از سندهای افتخار آن بـه شـمار مـی‌آیـد؛ در روزگار دولتهای اموی و عباسی که بسیاری از شاعران و نویسندگان هنر خـود را در چارچوبهـایی همچون؛ غزل‌سرایی مادی، وصف باده‌نوشی، هجوسرایی و بدزبانی، تکسّب و مـدح صـاحبان زر و زور و جز آن عرضه می‌نمودند، بیشتر ادیبان شیعه، هنر متعهّد خود را در خدمت عقیده و آرمانهای اسلام، تهذیب اخلاق عمومی، فراخوانی به مبارزه، آگاهی، پایداری و پـایمردی در برابـر سـتم و دروغ قرار داده بودند. جایگاه اینان بیشتر در میان توده‌های مردم بود، حال آنکه ادیبـان وابسـته و جیره‌خوار به مانند روزنامه‌های سیاسی، دیدگاه‌های دینی و سیاسی صـاحبان قـدرت را در سراسـر سرزمینهای اسلامی منتشر می‌نمودند و از حمایتهای بی‌دریغ خلفا و امیران نیز بهره‌مند می‌شدند.

بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که بیشتر ادیبان شیعه، همواره مورد بی‌مهـری و سـتم نظامهـای سیاسی قرارگیرند. این دولتها تنها به این موضوع بسنده نمی‌کردند، بلکـه تـاریخ‌نویسـان و ناقـدان وابسته به نظام سیاسی را مکلّف می‌نمودند که ارزشهای هنری ادبیات شـیعه را سانسـور و منـزوی کنند. از این رو، می‌توان گمنامی ادیبان شیعه و ستمهای سیاستمداران و تاریخ‌نویسـان نسـبت بـه ادبیات شیعه را در چند عامل جستجونمود:

الف) تفاوتهای عقیدتی وآرمانی ادیبان شیعه نسبت به دیگر ادیبان؛

ب) وابستگی سیاسی و مذهبی تاریخ‌نویسان و تذکره‌نویسان مشهور به نظامهای سیاسی امـوی و عباسی؛

ج) تعصّب منفی و ناآگاهانه برخی از این ناقدان نسبت به مبانی نظری ادبیات شیعه؛

د) فراوانی وگرمی بازار تهمت و افتراء نسبت به ادیبان شیعه. تهمتهای ناروایی همچـون؛ بـاده نوشی، قمار بازی، سرقت ادبی، بـدزبانی، عیـوب جسـمانی و اخلاقـی، غلـوّ و اغـراق، ضـعف در ساختارهای شعری و جزآن برخی ازکلید واژه‌های مشهور و تکراری برخی ازتاریخ‌نویسان قـدیم و جدید جهان عرب نسبت به ادیبان شیعه است.

در حالی که همین تاریخ‌نویسان و دولتمردان، حمایتهای مادی و معنوی خود را از اشعار عـرب پیش از اسلام دریغ نکرده و بسیاری از اندیشمندان و نخبگان وابسـته بـه خـود را صـرف تفسـیر محتوایی و ساختاری معلّقات می‌نمودند، در مخالفت دولت اموی با ادبیات شیعه ، همـین بـس کـه

اخطل تغلبی (۱۹-۹۰ ه) شاعرمسیحی دربار اموی، از هیچ تلاشی برای سوق دادن ادبیات عرب به مبانی عرب پیش از اسلام فروگذاری نکرد. ابونواس (۱۴۵-۱۹۹ ه) که در مستی و وصف باده از مشاهیر ادب عربی و جهان به شمار می‌آید، دوست و ندیم امین، خلیفه عباسی، بوده است و نمونه‌های فراوان دیگر نیز وجود دارد که ذکرآنها در این مقاله سبب درازی سخن می‌گردد.

با فروپاشی دولتهای اموی و عباسی و شکل‌گیری دولتها و امارتهای مستقل، برخی از این دولتهای حاکم بر این سرزمین، که مذهب و گرایش شیعی داشتند، با حمایتهای مادی و معنوی خود از ادبیات شیعه، فصلی دیگر را در تاریخ ادبیات عرب ثبت نمودند. دولتهای آل‌بویه در عراق و ایران، فاطمیان در مصر و شام ، حمدانیان در موصل و شام، بنی مزید در حلّه و نیل، بنی‌شاهین در بطائح از جمله این دولتها به شمار می‌آیند. اما برجسته‌ترین این دولتها که نقشی زیاد در شکوفایی ادبیات عربی و شیعه داشته است، دولت بنی‌حمدان در شام به رهبری سیف‌الدوله حمدانی (۳۰۳-۳۵۶ ه) بوده است.

این مقاله برآن است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی ، تصویری جامع از نقش دولت حمدانی در رشد و شکوفایی ادبیات شیعه ارائه نماید.

۲- پردازش موضوع

نسب حمدانیها به قبیله تغلب بر می‌گردد که پیش از دمیدن فجر اسلام برآیین نصاری بوده‌اند. سه خانواده مشهور تغلبیها در دورهٔ اسلامی؛ خانوادهٔ عمربن‌الخطاب العدوی، هارون المغمر و حمدان بن حمدون بوده اند. حمدان جدّ بزرگ خاندان حمدانی بوده رهبری مادی و معنوی ایشان را عهده‌دار بوده است. این خانواده از سوی دولت عباسی، امارت قلعهٔ«ماردین» -نزدیک موصول - را داشتند و به سال ۲۸۱هجری به روزگار خلافت معتضد عباسی، اعلام استقلال نمودند و پس از چند درگیری بر دولت عباسی پیروز شدند. حمدان۷ فرزند داشته است که ابوالهیجاء پدرناصرالدوله و سیف‌الدوله و ابوالعطاف از میان ایشان به سیادت و امارت رسیده‌اند.

تشیّع این خاندان در تاریخ اسلامی، امری آشکاراست . بسیاری از عالمان و شاعران شیعه ازجمله؛ الشریف ابوابراهیم ، جدّ بنی زهره ، السّری الرّفاء،کشاجم ،الناشی الأصغر، الزاهی و جزآنها مورد تکریم و احترام خاندان حمدانی بوده‌اند. اینان با حمایت حمدانیان به روشنی به بیان عقیده و اندیشه خود در شعرشان اشاره کرده‌اند.گفته شده است که سیف‌الدوله حمدانی دستور ضرب

سکه‌هایی را داده است که بر روی آنها، عبارت «لااله إلاّ الله و محمّد رسول الله و امیرالمؤمنین علی ابن أبی طالب و فاطمة الزهراء و الحسن و الحسین و جبریل علیهم السلام» نقش بسته بوده است.

از این‌رو، به نظر می‌رسد که تشیّع خاندان حمدانی امری ریشه‌دار بوده که تاریخ آن به روزهای آغازین اسلام و خلافت امام علی (ع) بر می‌گردد. البته، برخی ازمستشرقان به تفسیری نادرست در این زمینه پرداخته‌اند؛ «کارل بروکلمان» بر این عقیده است که سیف‌الدوله برای خشنودی دولت فاطمی که در مصر حکومت داشته اند، به مذهب شیعه روی آورده است ، درحالی که بیشتر تاریخ‌نویسان برگرایش ریشه‌دار شیعی در میان خاندان حمدانی اشاره و تأکید نموده‌اند و دیگر آنکه سیف الدوله حمدانی، پیش از آنکه فاطمیها قدرت را در مصر عهده‌دار شوند از دنیا رفته است. دیگر آنکه، اشعار ابوفراس حمدانی که پسرعموی سیف‌الدوله بوده و مقام وزارت را برعهده داشته، بیانگر این واقعیّت است که خاندان حمدانی برمذهب شیعه دوازده امامی بوده اند. «مصطفی الشکعه» درکتاب «فنون الشعرفی مجتمع الحمدانیین » (الشکعه، ۱۹۵۸م: ص۳۰۱) با استناد به شعر ابوفراس بر این موضوع تأکید فراوان نموده است. از این‌رو نظر بروکلمان دربارهٔ تاریخ تشیّع حمدانیها کاملاً نپذیرفتنی است. (بروکلمان، بی‌تا: ج۱،ص ۴۳۹و۴۴۹)

اما مشهورترین شخصیت خاندان حمدانی، علی بن عبدالله بن حمدان معروف به سیف الدوله حمدانی بوده که از سال ۳۳۳ تا ۳۵۶ هـ ق امارت شام را بر عهده داشته است. ادب دوستی، ادیب‌پروری، درایت، شجاعت و دلاوری، نبرد با بیزانسیها و واردنمودن شکستهای پی‌درپی به ایشان از ویژگیهای مشهور وی در تاریخ اسلام است . دربار سیف‌الدوله، قبلهٔ عالمان و ادیبانی بود که با اهتزاز پرچم تشیّع در شام به آنجا آمده بودند. صاحب «یتیمة الدهر» دو فصل را به عالمان و شاعران دربار سیف‌الدوله اختصاص داده است که درمیان نام آنان، این نامها بیشتر دیده می‌شود همچون؛ الشریف ابو ابراهیم جدّ بنی زهره، ابن خالویه (۳۷۰ه) ، ابوالطیّب المتنبّی (۳۰۳-۳۵۴ه) ابوفراس الحمدانی (۳۵۷-۳۲۰ه) الفارابی (۲۵۷-۳۳۹ه)، ابن نباته المصری (۶۸۶-۷۶۸ه) الصنوبری (۲۸۴-۳۳۴ه) ابن جنّی (۳۰۰-۳۹۲ه) و بسیاری دیگر از فقیهان و قاضیان و نحویان و هنرمندانی که پیش از این به نام برخی از ایشان اشاره شد.

دلاوریهای سیف‌الدوله در نبرد با رومیان سبب آفرینش چکامه‌های حماسی در شعر عربی شده است. متنبّی که در تاریخ ادبیات عرب به خودستایی و غرور شهرت دارد (پروینی، زینی‌وند

۱۳۸۳ش: ص۱۵۵)، آنچنان شیفتهٔ شخصیّت امیر سیف‌الدوله می‌شود که به آفرینش چکامه‌های شکوهمند حماسی روی می‌آورد. ادب عربی پیش از این، از چنین شعرهایی بی‌بهره بوده است و تاریخ پربار بنی‌حمدان سبب شده است که این دوره از شعر متنبّی هم‌ردیف «ایلیاد» و «ادیسه» هومر و شاهنامه فردوسی قرار گیرد.

به هر حال، دولت حمدانی در شام ، نقشی بسیار مهم در شکوفایی ادب عربی داشته است و این موضوع ، مورد ستایش بسیاری از تاریخ‌نویسان و ناقدان قرار گرفته است. اما آنچه که از تاریخ حمدانی به صورت دقیق و جامع مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، نقش این خاندان درگسترش ادبیات شیعه بوده است.

علّامه محمّد حسین مظفر دراین‌باره چنین نوشته است:

در روزگار سیف‌الدوله ، تشیّع در سوریه ، مقامی رفیع و ارجمند به‌دست آورد و مردم سوریه هوای آزاد را - که حکومتهایی به دنبال یکدیگر از آنها سلب نمودند، و پس از آنکه مدتی طولانی زیرچتر استتار تقیه به سر برده بودند – استنشاق کردند، در نتیجه، سرزمین سوریه در دوران حمدانیها سرشار وآکنده از شیعه بوده است، مانند حلب و نواحی آن، و بعلبک وآبادیهای پیرامونش، وجبل عامل و سواحل آن. (مظفر، ۱۳۶۸ش:ص۲۲۶).

هم او دربارهٔ دانش‌دوستی و ادب‌پروری حکومت حمدانی در شام نیز چنین می‌نویسد:

در ایام حکومت حمدانیها ، علمای زیادی به خصوص به سوی حلب آمد و شد داشتند و به آنجا می کوچیدند. (همان)از این‌رو، می‌توان دریافت که مذهب حاکمان حمدانی درشام به‌ویژه سیف‌الدوله نقشی بسیار مهم در گسترش تشیّع و حمایت از ادبیات شیعه داشته است. بسیاری از این عالمان و ادیبان در نوشته و ادب خود به بیان فضیلتها و بزرگیهای خاندان اهل‌بیت(ع) می‌پرداختند . شاعران در دو قالب مدح و رثا ضمن ستایش این فضیلتها یا سوگ ایشان، دشواریهای پیشین دو خلافت اموی و عباسی را مورد نقدهای تند و شجاعانه خود قرار می‌دادند. حمایتهای سیف‌الدوله و ابوفراس، درگسترش چنین جریانی بسیار سودمند بوده است (آباد ،۱۳۶۸ ش:ص ۱۷۰).

۲-۱: شاعران وادیبان شیعی در دولت حمدانی

۲-۱-۱: ابوفراس حمدانی

ابوفراس که درتاریخ ادب عربی به شاعر «رومیات»- شعرهایی که شاعر در زندانهای روم سروده است – مشهور است، خاندان اهل‌بیت(ع) را بسیار دوست می‌داشت و در شعرش به راستی و روشنی از این دوستی خویش سخنها گفته است (ثعالبی،۱۴۰۳ه/ ۱۹۸۳م: ج ۱ :ص۳۵ / ابن خلکان، ۱۹۶۸م: ج ۲ :ص۵۸ / ضیف، ۱۹۷۳م: ج۴، ص ۲۲۳/ فاخوری،۲۰۰۳م: ص۱۸۵/ آباد، ۱۳۸۶ش: ص ۱۷۴).

او را چکامه‌ای است که در آن ضمن بیان عقیده خود در شیعهٔ امامیه، از دوستی ژرف و راستینش نیز حکایت می کند :

لَستُ أرجُو النّجَاةَ مِن کُلّ مَا أخـ ـــشَاهُ، إلاّبِ «أحمدٍ» و «عَلیّ»
وَ بنتِ الرَّسُولِ «فَاطمةَ» الطُّهـ ـــرِ،و «سبطیه» وَالإمَامِ «عَلِیّ»
وَالتّقِیِ النَّقیّ، بَاقرِ عِلمِ الـ ـــلّهِ فِینَا، «مُحَمَّد بنِ عَلیّ»
وابنهِ «جَعفَر» و «مُوسَی»و مَولَا نا «عَلِی»، أکرِم بهِ مِن عَلیٍّ
وَ«أبِی جَعفَر» سمِّیّ رَسُولِ اَلـ ـــلّهِ، ثُمّ ابنِهِ الزَّکیِّ «عَلیّ»
وَابنهِ «العَسکَریّ» وَالقَائِمِ المطُـ ـــهَّرِ حَقّی «مُحَمّدبنِ عَلیّ»
فِیهِم أرتَجِی بُلُوغَ الأمَانیَ یومَ عَرضِی عَلی مَلیکِ عَلیّ»

(الحمدانی، ۱۴۲۵ق: ص۲۵۹)

«از همه آنچه که بیم دارم، جز به احمد وعلی (ع) امید رستگاری و رهایی(ازکسی) ندارم/ و به دختر فرستادهٔ خدا، فاطمه پاکدامن و دو فرزندش (امام حسن وامام حسین (ع)) وامام علی (بن الحسین: زین العابدین)/ و به (امام) تقی و نقی(ع) و امام محمد باقر(ع)، شکافندهٔ دانش الهی در میان ما/ و فرزندش امام جعفر (ع) و موسی کاظم(ع) و سرورمان علی/ وابو جعفر(ع)، هم نام رسول خدا(ص) وسپس فرزند پاکش علی(ع)/ و فرزندش امام عسکری(ع)، برپادارندهٔ حقّ محمّدبن علی/ در میان اینان (و به واسطهٔ ایشان) به آن روزی که در برابر پروردگار بزرگ حاضر شوم، امید رسیدن به آرزوهایم را دارم).

در قصیدهٔ دیگر (شافعی أحمدُ النّبی و مَولَا : همان: ص ۳۳۷:) نیز نام دوازده امام(ع) را به بزرگی یاد نموده است، اما برجسته‌ترین قصیده‌های او، میمیه مشهورش، به نام« الشافیه» است. مطلع این قصیده چنین است:

الـــدّینُ مخْتَـــرَمٌ والحـــقُّ مُهتَضَـــمٌ وَ فَـــیءُ آلِ رسُـــولِ اللهِ مُقتَسَـــمُ

(الحمدانی، همان: ص۳۰۰)

« دین از میان رفته و حق پایمال گشته است و اموال و حقوق خاندان رسول خدا(ص) در میان دشمنان، تقسیم شده است.»

این قصیده، دربرگیرندهٔ اغراضی همچون ؛ هجا، مدح، فخر و دیدگاه‌های عقیدتی شاعر است. شاعر، این قصیده را در ردّ قصیده‌ای از « محمد بن سکرة الهاشمی» سروده که در آن بر شیعیان تاخته است. ابوفراس در این قصیده که از جمله شاهکارهای ادب عربی به شمار آمده است به بیان دردها و مصیبتهای آل رسول(ص) پرداخته و با زبانی مستدل اما تند و انتقادی به نکوهش و هجو دشمنان ایشان به‌ویژه امویان و عباسیان پرداخته است. موضوع خلافت اهل بیت (ع) و رخداد عاشورا،محورهای اساسی این قصیده را شامل می شوند. افزون بر این، شاعر ضمن نکوهش سیاستمدارانی که حقوق اهل بیت (ع) را غصب نموده‌اند به بیان وضعیّت موجود ایشان و دشواریهای زندگی شیعیان در سرزمینهای اسلامی اشاره نموده است (نورالدین، ۲۰۰۰ م:ص۱۶۱-۱۶۶).

علّامه محمد حسین مظفر دربارهٔ ارزشهای «شافیه» چنین می‌نویسد:

ابو فراس، اشعاری دربارهٔ اهل‌بیت (ع) دارد. و اگر هم ابوفراس غیر از قصیدهٔ «میمیه»- که به «الشافیه »معروف است – قصیده و اشعاری دیگر نمی‌داشت، او را همین قصیده برای نصرت اهل‌بیت (ع) بسنده می‌آمد. علت اینکه این قصیده درجهت نصرت اهل بیت (ع) غنی وکافی بوده است این است که این قصیده در آن روزها معادل هزار شمشیر– در دفاع از آل رسول (ص) و نصرت حق و دین خدا – بوده است (مظفر، ۱۳۶۸ ش:ص ۲۲۵).

حضور حماسی و پیوستهٔشاعر در جنگ با رومیان و اسارت او، معاصر بودن وی با شاعر بزرگی همچون متنبّی و برخی درگیریهای سیاسی ایشان با پسر عمویش سیف‌الدوله، سبب شده است که شعر شیعی ایشان در سایهٔ چنین پدیده‌هایی قرار گرفته وکمتر از سوی ناقدان تحسین شود و یا اینکه مورد تحلیل قرار گیرد .

۲-۱-۲: صنوبری

احمد بن محمّد بن الحسن الضبی الحلبی الأنطاکی،معروف به صنوبری (۲۸۴-۳۳۵هـ ق) یکی دیگر از شاعران برجستهٔ شیعه در دولت حمدانی به شمار می‌آید که در وصف طبیعت مهارت داشته است. وی در سرودن اشعار حماسی از «متنبّی» و «ابوفراس» تقلید نموده و در اشعار فلسفی وکلامی خود به «فارابی» نظر داشته است. صنوبری، مدیریت کتابخانهٔ غنی دربار سیف‌الدوله را نیز عهده‌دار بوده و در بیشتر گفت‌وگوهای علمی دربار حضور داشته و از دوستان نزدیک کشاجم به شمار می‌آمده است .

(إبن عساکر،۱۴۲۰ق:ج ۱ ،ص۴۵۶ /الصّفدی،۱۳۹۴ق:ج ۷،ص ۳۷۹/ شوقی ضیف،۱۹۷۳م: ج۴، ص۳۴۷-۳۵۹/ عبدالرحمن، ۲۰۰۰ م:ص۲۴۴/ متز،۱۳۶۲ش:ص۲۹۲ – ۲۹۳/ ناصری طاهری،۱۳۶۶ش: ص۸۸)

دیوان شعر وی، سرشار از سوگنامه‌هایی است که شاعر آنها را در سوگ خاندان اهل بیت (ع)، به ویژه امام حسین (ع)سروده است. شجاعت و روشنی بیان، ویژگی بارز شعر شیعی او است. وی بر این عقیده است که در میان امت پیامبر(ص) تنها خاندان ایشان (ع) و فرزندان علی و فاطمه (علیهما السّلام) شایستگی خلافت را دارا هستند:

حَبَـــاهُ بِالوَصِـــيّةِ إِذ حَبَـــاهُ وَ هُـــوَ ذُو دَنَـــفِ

(ضیف، همان: ص۳۵۰)

«آنگاه که او را عطا نموده،وصیت را به او عطا نموده در حالی که به (پیامبر) نزدیک است.)

در جای دیگری رثای امام حسین(ع) و وصف ستمهای امویان و دشواریهای خاندان عترت در روز عاشورا می‌پردازد:

يَـــومَ الحُسَـــينِ عَلَـــى الـــدِّ يـــن كُنـــتُ يَومـــاً عَسِـــيراً

مَـــلأتِ وَاللهِ كَربـــاً يـــا كَربَلَـــاءُ الصُّـــدُورَا

وَ الفـــاطِمِيّونَ تَقـــرِ ـــيهِمُ السُّـــيُوفُ الطُّيـــوُرا

وَ الفَاطِمِيَّـــاتُ يَنحَـــر نَ بِالـــدُّمُوعِ النُّحُـــورَا

(همان: ص۳۵۷-۳۵۶)

«روزی که حسین به خاطر دینش شهید شد، روز سختی بود/ ای کربلا! به خدا قسم، سینه‌ها را پر از درد و رنج نمودی/ شمشیرهای فاطمیان، دشمنان را همچون پرندگانی نموده است که قطعه قطعه شده‌اند/ زنان فاطمی با سرشک دیدگان ،گردنهای خویش را بریده‌اند.»

صنوبری، علاوه بر رثای امام حسین(ع) اشعاری دربارهٔ «لیلا» دختر آن حضرت سروده است. وی با قلبی پر سوز و گداز این گونه در رثای ایشان می‌سراید:

يَا رَبَّةَ القبرِ المُضِيءِ الَّذِي ... يُضِيءِ ضَوءَ الكَوكَبِ السَّارِي

أشتَاقُ رُؤيَاكِ فَآتي فَلَا ... أرَى سِوَى تُربٍ و أحجَارِ

قُومي إلى دَارِكِ قَد أنكَرَت ... صَبرُكِ عَنهَا أيَّ إنكَارِ

استَوحَشَت دارُكِ مِن أهلِهَا ... وَاستَوحَشَ الأهلُ مِنَ الدَّارِ

(همان: ص۳۵۷)

« ای قبر درخشانی که به مانند سیاره‌ای در حرکت بوده و می‌درخشد/ به رؤیای تو اشتیاق می‌ورزم و برای دیدنت می‌آیم اما چیزی جز خاک و سنگ نمی‌یابم/ برخیز به سوی خانه‌ات ، بردباری تو هر انکاری را از آن ،انکار نمود/ خانه‌ات از اهلش در وحشت و تنهایی ماند و اهل خانه از تنهایی خانه دچار وحشت شدند.»

صنوبری در برخی از چکامه‌هایش اهل‌بیت پیامبر(ص) را دژهای عزت و افتخار و پناهگاه آدمیان می‌داند و بر آنان این‌گونه سلام می‌فرستد:

هُمُ الحُصُونُ حُصُونُ العِزِّ آونَةً ... إذَا امرؤٌ لَمَ يجَد حِصناً وَلاَ رَبَضَا

صَلَاةُ رَبِّي عَلَى أبنَاءِ فَاطِمَةَ ... مَا استَيقَظَ الطَّرفُ مِن غُمضٍ وَمَا غَمَضَا

وَدَدتُ مَن وَدّ مَولايَ الحُسَينَ كَمَا ... رَفَضتُ رَافِضَه جَهلاً بِمَا رَفضا

سَلِّم عَلَى نَازِلٍ بِالطَّفِّ مَنزِلُهُ ... إنَّ السَّلامَ عَلَيهِ كَانَ مُفتَرَضا

عَلَى الحُسَينِ عَلَى سِبطِ الرَّسُولِ ... عَلَى المَقبوُضِ مُشتَهِياً لِلماءِ إذ قُبِضَا

(الصنوبری، ۱۹۷۰م: ص۱۹۷۰-۲۷۲)

« اینان در استواری همانند دژهای(استوار) هستند، دژهای عزتّمند و استوار به روزهای دشواری،آنگاه که انسان هیچ پناهی نمی‌یابد/ درود پروردگارم بر فرزندان فاطمه باد تا آن زمان که

چشمها از خواب برهم نهاده می‌شود/ هر که مولایم حسین را دوست داشته باشد، من نیز او را دوست می‌دارم و نیز هر که او را از روی نادانی انکار نماید، به‌واسطهٔ انکارش، او را دوست نمی‌دارم/ بر آن فرودآمده در بیابان طفّ (کربلا) درود بفرست چرا که درود بر او واجب شده است/ بر امام حسین، بر نوادهٔ رسول خدا، برآن کسی که تشنه لب به شهادت رسید).

۲-۱-۳: کشاجم

«محمود بن الحسین بن السندی بن شاهک» معروف به «کشاجم » (۳۶۰هـ) از عالمان و شاعران برجستهٔ دربار سیف‌الدوله بوده است. وی بر مذهب شیعهٔ امامیه بوده و سه قصیدهٔ بلند در دیوانش وجود دارد که در آنها به روشنی از عقیده و دوستی خود نسبت به اهل‌بیت(ع)سخن گفته است. (ابن خلّکان ،۱۹۶۸م: ج۱ ،۳۵۸ -۳۶۰ / الزرکلی،۱۹۹۰م: ج۷ ،ص۱۶۷/ فروخ ۱۹۹۷: ج۲ ،ص۵۰۵ /ضیف،همان:ص۱۸۹/ الأمین،۱۹۸۳م:ج۱۰،ص۱۰۳-۱۰۵ /عبدالرحمن،۲۰۰۰ م: ص۳۸۶/ مهنّا،۱۹۰۰م: ص۱۹۵/ بروکلمان،بی‌تا: ص۷۷ / آباد،۱۳۸۶ش: ص۱۷۶).

کشاجم، اهل‌بیت(ع) را کشتی نجات نوح، هلال نورانی هدایت، شمشیر برّان مبارزه با کفر و دریای معجزه می‌داند:

أَ عَاذِلَتی إنّ بُردَ التُّقَی ... کَسَانِیهِ حُبّی لأهلِ الکَسَاءِ
سَفینَةُ نُوحٍ فَمَن یَعتَلِق ... بحُبِّهِم یَعتَلِق بِالنّجَاءِ
هِلاَلٌ إلی الرُّشدِ عَالِی الضّیاَءِ ... وَسَیفٌ عَلَی الکُفرِ مَاضِی المَضَاء
وَ بَحرٌ تَدَفّقَ بِالمعُجِزاتِ ... کَمَا یَتَدفّقُ یَنبُوعُ مَاءِ

(أمینی ، بی تا: ج۴: ص ۱۶-۱۷)

« ای سرزنشگر من! همانا لباس پرهیزکاری مرا، دوستی‌ام نسبت به اهل بیت کسا، بر من پوشانده است/ /(دوستی اینان) به مانند کشتی نوح است که هر که به آن چنگ زند به رستگاری دست یافته است/ ماه تابان هدایت، والای پرنور و شمشیر برّان و ازبین برنده کفر و شرک/ و دریایی سرشار از معجزات بوده همان‌گونه که سرچشمهٔ آب در فیضان است.»

و در جای دیگری دربارهٔ اهل‌بیت پیامبر(علیهم السلام) این گونه می‌سراید:

إذَا تَفَکّـــرتَ فـــی مُصَـــابِهم أثقُـــب زَنـــدَ الهُمُـــومِ قادِحُـــه
فَبَعضُـــهُم قَربُـــت مَصَـــارِعُهُ وَ بَعضُـــهُم بَـــدَت مَطارِحُـــه
أظلَـــمَ فـــی کَـــربَلاء یَـــومُهُم ثـــمّ تجَلّـــی وَ هُـــم ذَبائِحُـــه
ذَلَّ حُمَـــاه وَ قَـــلّ نَاصِـــرُه وَ نـــالَ أقـــوَی مُنَـــاهُ کاشِـــحُه

(الأمین،۱۹۸۳م: ج۱۰،ص ۱۰۴)

« هرگاه به مصیبتهای ایشان می‌نگرم،آتش اندوه برافروخته می‌شود/ برخی از ایشان قبرشان نزدیک و برخی دور/ روزشان در کربلا تیره و تار شد و چون روز،آشکار شد، ایشان قربانی آن بودند/ حامیان ایشان خوار، یاوران اندک و قوی‌ترین ایشان نیز به خاک افتاده است.»

۲-۱-۴: النّامی

« ابوالعبّاس احمد بن محمّد المصّیصی الدّارمی» معروف به «النّامی» (۳۱۰-۳۹۹ هـ ق) از بزرگان شعر و ادب به دربار سیف‌الدوله بوده است. او را با متنبّی، ستیزه و درگیری نیز بوده است. و پس از رفتن متنبّی از حلب، مقام نامی از سوی سیف‌الدوله، بیشتر مورد تکریم قرار گرفته است.بسیاری او را از بزرگان عصر خویش و از عالمان لغت دانسته‌اند.(عبدالرحمن،همان:ص ۵۵۲ / ناصری طاهری، همان/ شامی، ۱۹۹۹م:ص۳۳۹ / فروخ، ۱۹۹۷م:ص۵۰۵)

۲-۱-۵ : الوأواء الدمشقی (۳۷۰هـ)

ابوالفرج محمد بن احمد الغسّانی الدمشقی معروف به «الوأواء الدمشقی» نیز از شاعران برجستهٔ شیعه در دولت حمدانی به شمار می‌آید. این وصف‌پرداز توانا، اشعار نیکویی در ستایش یا سوگ اهل‌بیت(ع) و برخی بزرگان شیعه دارد. سیف‌الدوله او را گرامی داشته و در دیداری که از دمشق داشته او را با خود به حلب برده است.(ثعالبی،همان: ج۱، ص۲۷۲/ فروخ،۱۹۹۲م: ج۲،ص۵۲۲/ الزرکلی،همان: ج۵،ص۳۱۲/ ضیف، همان:ص۲۶۲/ عبدالرحمن،همان: ص۵۷۹/ فروخ، ۱۹۹۷م: ج۲،ص۵۲۲/آباد، همان: ص ۱۷۷).

۲-۱-۶ : ابن‌خالویه(۳۷۰هـ)

ابو عبدالله حسین بن احمد بن‌خالویه بن حمدان الهمذانی البغدادی الحلبی معروف به «ابن‌خالویه» از مفاخر شعر و ادب اسلامی به شمار می‌آید. سیوطی از او به عنوان پیشوای شعر و ادب عرب یاد نموده است. سیف‌الدوله او را معلّم فرزندانش قرار داده و در امور سیاسی و اجتماعی از مشاوره او بهره‌مند شده است. برخی دربارهٔ مذهب امامی وی تردید نموده‌اند،اما تشیّع امامی وی در آثارش مشهود است. سیف‌الدوله همواره از او حمایت می‌نمود و هرگز از مقام او نزد سیف‌الدوله کاسته نشد. از شعر شیعی او چیزی در دست نیست و تنها ۱۰بیت از سروده‌های او در وصف همدان موجود است. (أمین،۱۴۰۳ق: ج۵،ص۴۲۰/ابن قفطی، ۱۳۹۶ش،۱۹۵۰م: ج۱، ص۳۲۷/ ابن خلکان، ۱۹۶۸م: ج۲، ص۱۷۸/ ناصری طاهری، همان:ص۱۲۳/ مظفر، ۱۳۶۸ش: ص۲۲۳.

۲-۱-۷: متنّبی و ادبیات شیعه

افزون بر آنچه گفته شد ذکر نکته‌هایی در باب مذهب شیعه و چگونگی بازتاب آن در شعر متنّبی لازم است. واقعیت این است که اندیشه‌های شیعی در شعر متنّبی آنچنان نمود و آشکاری ندارد که هر ناقدی بتواند به روشنی دربارهٔ آنها سخن بگوید اما قرینه‌هایی وجود دارد که ما را به باور گرایش شیعی شاعر رهنمون می‌سازد (الأمین،همان:ج۸ ،ص۴۸-۵۱ / نورالدین،۲۰۰۰م:ص ۵۷۲-۵۶۶)

الف- زادگاه متنّبی «کوفه» و در محله «کنده» بوده است و کوفه نیز یکی از پایگاه‌های تشیّع در تاریخ بوده است. تشیّع قبیلهٔ «کنده» معروف و حجربن‌عدی از این قبیله بوده است؛

ب) در نظری دیگر گفته شده است شاعر از قبیلهٔ «جعفی» بوده است ، تشیّع این قبیله نیز معروف است. جابر جعفی بزرگ قوم خویش و از اصحاب مشهور و مخلص امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) بوده است؛

ج) مادر متنبّی از قبیله «همدان» بوده است و تشیّع بنی همدان، معروف و مشهور است.

د) مؤلف کتاب «نسمة‌السحر» قصیده‌هایی را از متنبّی در مدح امام علی(ع) ذکر نموده است و آنها را «علویات» نام نهاده است. این قصیده به دلایلی نامعلوم در دیوان معروف شاعر موجود نیست. شاعر در برخی از ابیات این مجموعه به علتهایی که شعرش خالی از مدح امام علی(ع) بوده نیز اشاره کرده است:

تـرکـتُ مـدحـی للـوصـی تَعَمّـداً إذ کـــانَ نـــوراً مُســـتطیلاً شـــاملاً

(قمی، ۱۳۶۸ش: ج۱، ص۱۶۹/ الحسینی، ۱۳۹۵ق: ج۱، ص۱۴۶)

« از روی تعمّد، ستایش وصی رسول(ص)(امام علی(ع)) را تـرک نمـوده‌ام چـرا کـه او نـور فروزان و کامل بوده است(نیازی به مدح من ندارد).»

هـ) قصـیدهٔ «بائیـه» کـه در دیـوان شـاعر نیـز موجـود اسـت و آن را در مـدح ابوالقاسـم طاهربن‌حسین‌بن‌طاهرعلوی نیز سروده است ، دلیل دیگری بر تشیّع شاعر است:

هُـوَ ابـنُ رَسُـولُ اللهِ وَ ابـنُ وَصِـیهِ وَ شـبِهْتُما شَـبّهتُ بعـدَ التّجَـارِبِ

(المتنّبی،۱۴۱۸ ق، ۱۹۹۷م: ج۱، ص۱۵۸)

«او فرزند رسول خدا(ص) و وصیش علی بن ابیطالب(ع) است و او را هماننـد آن دو پـس از کسب تجربه‌ها تشبیه نمودم.»

و) دوستی صادقانه و طولانی شاعر با امیر سیف‌الدوله در حلب نیز قرینـه‌ای دیگـر بـه شـمار می‌آید که بیانگر مذهب شیعی متنبّی بوده است.

اما اینکه چرا شعر متنبّی از اندیشه‌های شیعی- به آن انـدازه کـه در دیـوان معاصـرانش دیـده می‌شود- خالی است؟پرسشی است که نمی‌توان برای آن پاسخ قانع‌کننده‌ای یافت. شاید بیم شاعر از دشمنان و مخالفان، نابسامانی اوضاع سیاسی و اجتماعی حکومتهای اسلامی در آن روزگار و جدالها و ستیزه‌های دینی- مذهبی در کنار دیگر عوامل در شمار اسباب این موضوع باشد. با ایـن وجـود، حتی اگر بپذیریم که متنبّی بر عقیده شیعه نبوده است باید اذعان نمود که شهرت و نبوغ شعر متنبّی ، مدیون حمایتهای بی‌دریغ امیر شیعی حلب ، سیف‌الدوله بوده است.

نتیجه گیری

۱. اگرچه دولت حمدانی با چالشهای سیاسی فراوان در داخل و خارج روبه‌رو بود، اما حمایتهای مادّی و معنوی امیر حمدانی، سبب شکوفایی شعر شیعی و آفرینش مضمونهای نوین شعری شد؛

۲. در این دوره، شاعران شیعی به‌واسطهٔ دولت شیعی از آزادی بیان بیشتر نسبت بـه دوره‌هـای گذشته برخوردار بودند و این همان وجه تمایز شعر شیعی این دوره نسبت به دوره‌های پیشین است؛

۳. شعر شیعی در این دوره از روشنی بیان و گوناگونی در محتوا و ساختار بهره‌مند است. چنین ویژگیهایی در سایه‌سار دولت حمدانی فراهم شده است.

منابع و مآخذ

۱. آباد، مرضیه (۱۳۸۶ش)؛ *تاریخ الأدب العربی فی العصر العباسی الثانی*، چاپ اول، سمت، تهران.

۲. ابن خلّکان ، احمدبن‌محمد (۱۹۶۸م)؛ *وفیات الأعیان و أنباء أنباء الزمان*، تحقیق احسان عباس، دارالثقافة، بیروت.

۳. ابن خلّکان ، احمدبن‌محمد (۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م)؛ *وفیات الأعیان و أنباء أنباء الزمان*، الطبعة الثانیة، دار إحیاء التراث العربی، بیروت.

۴. إبن عساکر، علی‌بن‌الحسن (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)؛ *معجم الشعراء من تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق حسام الدین فرفور، الطبعة الأولی، دارالکتاب العلمیة، بیروت.

۵. ابن قفطی، علی (۱۳۹۶ق/۱۹۵۰م)؛ *أنباة الرواة علی أنباء النحاة*، تحقیق محمدابوالفضل إبراهیم، قاهره.

۶. الأمین ، محسن (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)؛ *أعیان الشیعة* ، دارالتعارف، بیروت.

۷. الأمینی ، عبدالحسین (بی‌تا)؛ *الغدیر*، دارالکتاب العربی، بیروت.

۸. بروکلمان، کارل (بی‌تا) ؛ *تاریخ الأدب العربی*، نقله إلی العربیة عبد الرحیم النجار، الطبعة الثانیة، دارالکتاب الإسلامی، قم.

۹. پروینی، خلیل و تورج زینی وند (۱۳۸۳ش)، *مفاخره در شعر متنبّی و خاقانی*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۴۵،ص۱۵۳-۱۷۳.

۱۰. الثعالبی النیسابوری، أبومنصورعبدالملک (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)؛ **یتیمةالدهر فی محاسن أهل العصر**، شرح و تحقیق مفید قمیحه، دارالعلم للملایین، بیروت.

۱۱. _____،(۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م)؛ *یتیمةالدهر فی محاسن أهل العصر*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، الطبعة الأولی، مکتبة الحسین التجاریة، قاهره.

۱۲. الحسینی، عبدالزهراء (۱۳۹۵ق) *مصادر نهج البلاغة و اسانیدها*، مؤسسة الاعلمی، بیروت.

۱۳. الحمدانی، ابوفراس (۱۴۲۵ق/۲۰۰۵م)؛ *دیوان أبی فراس الحمدانی*، شرح خلیل الدویهی، دارالکتاب العربی، بیروت.

۱۴. الزرکلی، خیرالدین (۱۹۹۰م)؛ *الأعلام*، دارالعلم للملایین، بیروت.

۱۵. سیاحی، صادق (۱۳۸۲ش)؛ *الأدب الملتزم بحبّ أهل البیت(علیهم السلام)*،چاپ اول، سمت، تهران.

۱۶. شامی، یحیی (۱۹۹۹م)؛ *موسوعة الشعراء العرب*، الجزء الثانی، الطبعة الأولی، دارالفکر العربی، بیروت.
۱۷. الشکعه، مصطفی (۱۹۵۸م)، *فنون الشعر فی مجتمع الحمدانیین*، الطبعة الأولی، مکتبة الأنجلو المصریة، قاهره.
۱۸. الصنوبری ، أحمدبن‌محمّد (۱۹۷۰م)؛ *دیوان الصنوبری*، تحقیق إحسان عبّاس، دارالثقافة، بیروت.
۱۹. ضیف، شوقی (۱۹۷۳م)؛ *تاریخ الأدب العربی فی العصر العباسی الثانی*، الطبعة الثانیة، دارالمعارف، مصر.
۲۰. عبدالرحمن، عفیف (۲۰۰۰م)؛ *معجم الشعراء العباسیین*، الطبعة الأولی، دارصادر، بیروت.
۲۱. فاخوری، تمیم محمود/شبلی مریم (۱۴۲۳هـ/۲۰۰۳م)؛ *أعلام الشعر العربی*، الطبعة الأولی، دارالمعرفة، بیروت.
۲۲. فروخ، عمر (۱۹۹۷م)؛ *تاریخ الأدب العربی*، الطبعة السادسة، دارالعلم للملایین، بیروت.
۲۳. قمی، عباس (۱۳۶۸ش)، *الکنی و الالقاب*، مکتبة الصدر، تهران.
۲۴. متز، آدام (۱۳۶۲ش)؛ *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری* ، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، چاپ اول، امیر کبیر، تهران.
۲۵. المتنّبی، ابوالطیّب (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)؛ *دیوان*، شرح أبی البقاء العکبری، تصحیح مصطفی السّقاء، إبراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، الطبعة الأولی، دارالفکر، بیروت.
۲۶. مظفر، محمدحسین (۱۳۶۸ش)؛ *تاریخ شیعه*، ترجمه سید محمدباقرحجتی، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۷. مهنّا، عبد.أ.علی و علی نعیم خریس(۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)؛ *مشاهیرالشعراء و الأدباء*، دارالکتب العلمیة، بیروت.
۲۸. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۶۶ش)؛ *جغرافیای اسلام۱و۲(بعلبک شهر آفتاب و حلب شهر ستارگان)*، چاپ اول، سروش، تهران.
۲۹. نورالدین، حسن (۲۰۰۰م)؛ *موسوعة أمراء الشعر العربی من العصر الجاهلی إلی العصر العباسی*، الطبعة الأولی، شرکة رشاد برس، بیروت.